

## جنبش زنهای آسیا

بقلم آقای ذبیح قربان محصل دارالفنون امریکائی بیروت

بقیه از شماره ۷ و ۸

زنان ایران مانیز اگر چه مثل زنهای سایر ممالک آسیا ترقی نکرده اند و خیلی عقبند ولی اگر حالت امروزه زنهارا با بیست سال قبل در اوایل مشروطیت مقایسه کنیم ملاحظه خواهیم کرد که در این مدت کم چقدر ترقی حاصل شده و دائره افکار زنهارا تا چه اندازه توسعه پیدا کرده است. در بیست سال قبل تنها مدرسه دخترانه در طهران مدرسه امریکائی بود آنها در اوایل دختران مسلمان را نمیفرستادند. در سنه ۱۹۱۲ که سیزده سال قبل باشد در مدرسه امریکائی دخترها فقط شش نفر دختر مسلمان درس میخواندند و بقیه ارمنی یا یهودی بودند ولی امروزه متجاوز از دویست نفر دختر مسلمان در همان مدرسه مشغول تحصیل میباشد.

ششگانه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اولین مدرسه دخترانه جمالی که در طهران تأسیس شد مدرسه ناموس بود که تا مدتها هم یکی از مدارس خوب دخترها بود. بعد مدرسه تربیت دخترانه باز شد که امروزه یکی از بهترین مدارس دخترانه طهران میباشد که چند نفر از خانمهای تحصیل کرده امریکائی مثل «میس لیلیان» که قریب به ده سال در این مدرسه خدمت کرده بالاخره از مرض حصبه در طهران فوت کرد و دکتر کوی که در تعلیم و تربیت درجه دکتری را داشت مدتها وقت خود را در ترقی این مدرسه

صرف نمودند امروزه متجاوز از صد مدرسه دخترانه در طهران باز شده است و در سایر شهرهای ایران نیز مردم تعلیم و تربیت زن را حس کرده کم و بیش مدارس باز کرده اند ولی خیلی جای افسوس است که وزارت معارف ابداً در ترقی زنهای کوشش و مثل سایر حکومتهای شرقی که شرحش مفصلاً داده شد دارالمعاملات و مدارس عالییه برای زنهای تأسیس ننمایند چنانکه این همه مدارس يك معلم دیپلمه قابل خوب ندارد و پرگرام آنها نیز بقدری خراب است که دوشیزگان ابداً از آن استفاده ننمایند. بنا بر این اولین قدم در راه ترقی معارف در ایران تأسیس دارالمعلمین و دارالمعاملات و تغییر پرگرام عالییه مدارس است که باید وزارت معارف به آن اقدام نماید.

بواسطه داشتن حجاب و بستن بابت علم بر روی زنهای بدبختانه ایران ما زنهای نامی و نویسندگان مقتدر نداشته است و اگر هم زنی با دختری دارای افکار عالییه بوده وسیله اختناق او را فراهم نموده اند . . . . ( ۱ ) بلی ملت ما قدر دان نبوده اگر هم اتفاقاً زن آزادی طلبی در آن مملکت پیدا شده از افکار او جلوگیری نموده باعث عذاب او میشدند!

رتال جامع علوم انسانی

دیگر من از زنهای ایران را نمیشناسم به جز اینکه در عهد معاصر مرحومه محترم خانم اسکندری قدری از اثر قلم و افکار خود خواست زنهای ایران را به جنبش در آورد آنها که اجل مهلتش نداد ايك نفر

( ۱ ) در اینجا نویسندۀ محترم شرح حال یکی از زنهای نامی قزوین را میدهد که ما از درج آن بمناسباتی چند خود داری مینمائیم.

سودمند

دیگر از خانمهای شیر دل شجاع که شخصا او را ملاقات کرده ام نیمتاج خانم خواهر میرزا فرج الله خان میر پنج است . این خانم محترم مدتها عمر خود را در فارس گذراند و در امور حکومتی همیشه نفوذ غربی داشت . مدتی خاطر دارم اداره حکومت آباده را او اداره میکرد و صوت الدوله در زمان اقتدار خود بدون مشورت او هیچ کاری نکرد . نیمتاج خانم ابدأ رو نگرفته با تمام اعیان و اشراف و رجال حکومت ملاقات کرده ، آنها را بمنزل خود دعوت مینمود و خودش بمنزل آنها میرفت . در سواری و تیر اندازی ید طولائی داشته ، دارای يك شهامت و شجاعت و تهور فوق العاده بود . در موقع نطق کردن هیچ مردی نمیتوانست در مقابل او مقاومت کند و هر چه اراده میکرد مجری میداشت مخصوصاً خیلی متجدد و دارای افکار پخته بود و میل داشت برای ترقی نسوان کار بکند . اما يك زن چه میتواند بکند در مقابل اینهمه خرافات و موافق در صورتیکه یقین دارم اگر این خانم مشوقی داشت یکی از زنهای نامی دنیا میشد .

بدبختانه همانطور که لیبرهای کاری میان زنها در ایران کمتر داریم مجامع و مؤسسات نیز در عالم نسوان ایران کم است . چون از ایران دور هستم کاملاً از ترقیات نسوان خبر ندارم فقط میدانم که يك هیئتی با اسم نسوان و طنخواه در تحت ریاست محترمه سربینه خانم افشار تشکیل شده است و يك مجله هم بهمین اسم منتشر میسازند . يك انجمن دیگر با اسم انجمن ترقی نسوان نیز در تحت ریاست محترمه قدسیه خانم اشرف که مدت چند سال در امریکا تحصیل نموده است چند سال است در طهران تأسیس شده و دائره آن در بسیاری از

شهرهای ایران نیز توسعه پیدا کرده است. ولی باید دایره این قسم مؤسسات را توسعه داد و مثل سایر ممالک شرق که زنهای برای انجام هر مقصدی مجمعی تأسیس کرده اند خانمهای ایرانی نیز باید اقدام نمایند. در خصوص تشکیلات چنین مجامعی مفصلاً در مقدمه کتاب «دائستینهای زنان جوان» که از انگلیسی به فارسی ترجمه کرده‌ام و فعلاً در مطبعه ایرانشهر موجود و منتظر کمک بعض معارف پروران است که آن را طبع کنند شرحی نوشته‌ام. در اینجا همین قدر کافی است که خاطر خانمهای محترم ایران را باین نکته جاب نمود که بدون تأسیس انجمنها و مجامع هرگز نخواهند توانست از تیه بدبختی و مذلت کنونی به گلستان خوشبختی و طافیت برسند. از جمله مجلاتیکه در جهان زنان ایران منتشر میشود مجله عالم نسوان است که بتوسط دیپامه های مدرسه دخترانه امریکائی منتشر میشود و در حقیقت مجله مفیدی است که اغلب تعلیمات مفید برای زنهای در آن درج میشود. یکی دیگر مجله «نسوان وطنخواه» است که فقط دو سه شماره آنرا دیده‌ام و در حقیقت میتوان گفت که قدم خوبی است اگر باآخر برسانند. بدبختانه روزنامه «جهان زنان» که بواسطه «خام دولت آبادی» منتشر میشد و چندی افق مطبوعات ایران را روشن نموده بود بواسطه «وزیدن بادهای مخالف خاموش شد ولی امید است که باز زنان ایران را به طلوع خودخوشوقت سازد. یک شرط مهم مجلات و جرائد نسوان باید این باشد که فقط مقالاتی را که خانمها مینویسند درج نمایند که مابین زنهای نیز نویسندگان دانا بوجود آید چنانچه در ترکیه فقط زنهای حق دارند که در مجله «عالم نسوان» مقالاتی بنویسند و مقالات مردها را قبول نمی کنند.

انجمن شیر و خورشید سرخ که چندی است در ایران تشکیل شده به همت آقای دکتر امیر اعلم امروزه صورتی گرفته است ولی قسمت عمده کارهای این مؤسسه را باید زنها انجام دهند همانطور که مؤسس این جمعیت و بیشتر اعضای طامله آن در اروپا و امریکا زن میباشند که در علم پرستاری دیدهبه هستند. امروزه ایران باین مؤسسه خیلی محتاج است و برای اینکه اساس آنرا کاملاً محکم نمایند باید يك مدرسه پرستاری در تهران تأسیس نمود زیرا بدون داشتن زنهای پرستار غیر ممکن است این مؤسسه بتواند وظایف خود را انجام دهد. تا موقعیکه دولت یا بعضی اشخاص خیر خواه که کمتر در ایران داریم برای تأسیس يك مدرسه پرستاری اقدام نمایند خوب است از طرف انجمن شیر و خورشید يك عده از دخترها را به مدرسه پرستاری امریکائی بیروت بفرستند. دخترانیکه انگلیسی دانسته معلوماتشان با حدود سه ساله متوسط باشد باین مدرسه قبول میشوند و در مدت سه سالی که مشغول تحصیل و عمل هستند تمام مخارجشان را دارالتفنون میدهد.

چنانکه ملاحظه شد زنان ایران از هر حیث از نسوان سایر ممالک عقب هستند و گویا خود آنها نیز ملتفت این نکته نبوده هیچ اقدامی برای ترقیات خود نمینمایند. نه حکومت ایران چندان اهمیتی به توسعه معارف نسوان میدهد و نه خود زنها جنبشی نموده بواسطه تشکیل اجتماعات عدیده حقوق پایمال شده خود را طلب میکنند. جوانان تحصیل کرده ایرانی هم ابدأ اظهار علاقه به ترقی نسوان ننموده در عوض اینکه بعضی کتب مفیده راجع به جهان زنان از السنه

اروپائی ترجمه کنند و مابین خواهران خود منتشر نمایند به ترجمه و نشر رمانهاییکه جز فساد اخلاق نتیجه دیگر ندارد میپردازند در صورتیکه بیشتر ترقیات زنها در هر مملکتی بواسطه کمک و همراهی جوانان تحصیل کرده و منور الفکر آن مملکت بوده است چنانکه زنهای ترکیه بواسطه مجاهدت برادران جوان خود از قید اسارت خارج شده پا در جاده ترقی و تعالی گذاشته اند.

امروزه اهالی اروپا باین مسئله پی برده اند که صلح و سلام ممکن نیست در اروپا برقرار شود مگر اینکه زنها دخالت نموده با ان عواطف و احساسات صلح طلبانه خود مردان را از جنگ و جدل باز دارند چنانکه امروزه زنها هستند که در ممالک اروپا و امریکا علم صلح را بلند نموده بواسطه اجتماعات و نطقهای خود میخواهند جنس بشر را از جنگ خانمان سوز رهایی دهند. ملل آسیا نیز بتدریج ترقی نموده روزی خواهد رسید که از حیث تمدن با اروپائیان برابری خواهند کرد ولی این منوط به همت زنان آسیا است که از تجربیات اروپائیان پند آموخته در تربیت خود و اولاد خویش بکوشند!

هانطور که کوزه گر میتواند گل را بهر شکل که بخواهد بیرون بیاورد شما هم ای دختران آسیا میتوانید مقدرات آتیه این قطعه بزرگ عالم را تقدیر نمائید. پس مسؤلیت بزرگ خود را فهمیده بر ترقیات خود بیفزائید تا بتوانید وظیفه مقدس خود را کاملاً انجام دهید.